

کمیٹرون و سرق

۲



کمیٹرون

و

جبهه متحد ملی ضد ژاپنی در چین

(۱۹۳۵-۱۹۴۳)

ک. و. کوکوشکین

کمیٹرن

و

جبهه متحد ملی ضد ژاپنی در چین

(۱۹۳۵-۱۹۴۳)

ک. و. کوکوشکین

* کمینترن و جبهه متحد ملی ضد ژاپنی در چین

* نویسنده : ک. و. گوکوشکین

* چاپ اول : آذرماه ۱۳۵۹

* از انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت)

کتابخانه ۱۰۱۴۰۵ / ۱۳۵۹

فهرست

صفحه

۱. کمینترن و تاکتیکهای جبهه متحد ملی
ضد ژاپنی حزب کمونیست چین ۵-۸
۱۱. مبارزه کمینترن علیه خطاهای گروهگرایانه - چپ
در سیاست جبهه متحد حزب کمونیست چین ۱۹-۳۷
۱۱۱. تشکیل جبهه متحد متشکل از حزب
کمونیست چین و کئومین تان ۳۹-۴۷
۱۷. واکنش رهبری حزب کمونیست چین در
قبال انحلال کمینترن ۴۹-۵۴

کمینترن و تاکتیک‌های جبهه متحد ملی ضد ژاپنی

حزب کمونیست چین، در اتخاذ سیاست جبهه متحد ضد ژاپنی، شدیداً "از تصمیمات کنگره هفتم کمینترن تاثیر گرفت. در خلال کنگره، نمایندگان حزب کمونیست چین در هیات اجرایی کمینترن، به تاریخ اول اوت ۱۹۳۵، بیانیه‌ای طرح کردند که طی آن از مردم درخواست می‌شد تا "با سرکوب ژاپن، کشور را نجات دهند". این سند مهم بوسیله هیات اجرایی کمینترن بررسی و مورد قبول واقع شد. کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و حکومت مرکزی شورایی چین، بیانیه‌ای را منتشر ساختند که برای نخستین بار از کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی دعوت می‌کرد تا "به منظور بسیج کلیه توان کشور (ذخایر نیروی انسانی، منابع مالی و مادی و نیروهای مسلح) در راه هدف مقدس مقاومت در برابر ژاپن و به خاطر نجات مملکت، از جنگ داخلی دست بردارند". (۱)

مهمترین نکته سند این بود که شرکت تمام کثومین تان (۲)

(۱) منابع تاریخ انقلاب چین ج ۳، یکن ۱۹۷۵، ص ۱۴۲.
(۲) Kuomintang (حزب ملی خلق). حزب ملت گرای چین که در سال ۱۸۹۱ میلادی بوسیله دکترسون یات سن بمنظور مبارزات استعماری تاسیس در ۱۹۲۵ رهبری آن به چیانکای شک منتقل شد. در ۱۹۴۸ پس از تسلط حزب کمونیست بر چین، رهبر و تشکیلات کثومین تان به جزیره فرزان انتقال یافتند. م.

یا دست کم شرکت یگان هایی از آن را که آماده مبادرت به جنگ علیه تجا و زکاران بودند، مطمح نظر داشت. در بیانیه آمده بود: "چنانچه سربازان کئومینتان^(۱) عملیات تنها جمی خود را علیه ارتش سرخ چین کنار بگذارند و یا چنانچه گروه هایی به جبهه ضد ژاپنی ملحق شوند، ارتش سرخ نه تنها فوراً تمام خصومت ها را کنار خواهد گذاشت بلکه آماده است تا دوش به دوش آنان در راه نجات میهن پیکار کند".

حزب کمونیست چین، برای جبهه متحد ضد ژاپنی، اشکال سازمانی مشخصی را پیشنهاد کرد که عبارت بود از: تشکیل یک حکومت دفاع ملی و یک ارتش متحد ضد ژاپنی. "حزب کمونیست آماده مبادرت فوری خود برای مذاکره درباره مسأله استقرار یک حکومت دفاع ملی را؛ با همه احزاب سیاسی، گروه ها و سازمانها، با دانشمندان برجسته و شخصیت های سیاسی و با تمام ارتش های محلی و ارکان اداری^(۲) که حاضرند به خاطر نجات میهن به جبهه مقاومت در برابر ژاپن پیوندند، اعلام می دارد".^(۳)

ارتش جبهه ضد ژاپنی می بایست از میان تمام یگان های نظامی که حاضر بودند در مقابل ژاپن مقاومت نمایند، تشکیل گردد. نقشه این بود که یک فرماندهی متحد، تحت رهبری حکومت دفاع ملی، برپا شود. این بیانیه حاکی از آن بود که "ارتش سرخ اولین نیرویی خواهد بود که به منظور ایفای وظیفه مقدس علیه اشغالگران ژاپنی و به خاطر نجات میهن، به این ارتش متحد می پیوندند".^(۴)

(۱) (تروپ) Troops

(۲) Administrative bodies

(۳) همان جا . ص ۱۴۲-۱۴۳

(۴) همان جا . ص ۱۴۲

حزب کمونیست چین همچنین برنامه ده ماده ای دیگری برای حکومت دفاع ملی طرح کرد که اصول اساسی آن عبارت بود از: مقاومت مسلحانه در برابر تهاجم ژاپن، بازپس گرفتن تمام اراضی اشغالی، ضبط کلیه دارایی های امپریالیسم ژاپن در چین، ضبط کلیه اراضی و اموال خائنین به مملکت و ایادی^(۱) ژاپن، اصلاح وضع مادی کارگران، دهقانان، سربازان و روشنفکران، تضمین حقوق دموکراتیک مردم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و غیره.

بیانیه اول اوت سال ۱۹۳۵، حزب کمونیست چین نخستین گام مهم در پیاده کردن^(۲) تاکتیک های جدید برای تشکیل یک جبهه متحد ملی بود. بطور کلی این بیانیه تشکیل یک جبهه وسیع را از تمام احزاب سیاسی، گروه ها، نمایندگان طبقات مختلف و اقشار اجتماعی که آماده شرکت در پیکار علیه تجاوزگران بودند، در نظر گرفته بود. این نشان می داد که حزب کمونیست چین به نحوی جدی، بکارگیری مشی استراتژیکی و تاکتیکی جدیدی را در شرایط جنبش رهایی بخش ملی علیه تجاوزگران ژاپنی آغاز کرده است. در تاکتیک های قدیم، تشکیل یک جبهه متحد تنها "در سطوح پایین"^(۳) در نظر گرفته شده بود (عملیات مشترک کارگران، دهقانان، سربازان و غیره) یا در بهترین حالت خود، حصول توافق با گروه های سیاسی متفرد برای مبارزه علیه حکومت نانکین^(۴) و تجاوزگران ژاپنی را در نظر داشت (که برپایان دادن به جنگ علیه مناطق شورایی،

Agents (۱)

Implementation (۲)

"at the bottom" (۳)

Nanking (۴)

برتضمین آزادیهای دموکراتیک مردم و بر مسلح کردن مردم مبتنی بود). حزب کمونیست چین در سالهای بین ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵ تاکتیک های خود را بر اساس جنگ اجتناب ناپذیر در جبهه - یعنی علیه رژیم بورژوا - ملاک کثومین تان و علیه تجاوز واپس طراحی می کرد.

حزب برای این عقیده بود که موفقیت در بیکار علیه تجاوزگران واپس، بستگی به سقوط کثومین تان دارد. لیکن به دلیل دستورالعمل های گروه گرایانه چپ^(۱) رهبری حزب کمونیست چین، حتی همین سیاست جبهه متحد محدود نیز، مستمرا "پیگیری نشد.

نقطه عطف این سیاست، تنها بعد از شرکت نمایندگان حزب کمونیست چین در کنگره هفتم کمینترن، آغاز گردید. در این کنگره، وان مین (چن شائو-یو)^(۲) رئیس هیات نمایندگی چین و عضو هیات اجرایی کمینترن، گزارشی را تحت عنوان "جنبش انقلابی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و تاکتیک های احزاب کمونیست"^(۳) قرائت کرد.

در بخش مربوط به چین، وان مین بر پیشنهادات اصلی مندرج در بیانیه اول اوت ۱۹۳۵ تاکید و رزیده گفت "تاکتیک های ما باید با حکومت شورایی چین یکی باشد. ما پیشنهاد می کنیم که تمام مردم چین، تمام احزاب، گروهها، سازمانهای توده ای و تمام رهبران برجسته سیاسی و اجتماعی چین با ما در تشکیل یک حکومت دفاع ملی سراسری خلق چین و در سازماندهی آن

Left Section (۱)

Wang Ming (chenshao Yu) (۲)

(۳) انترناسیونال کمونیستی، ج ۱۲، ۲۰، سپتامبر ۱۹۳۵

ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۳.

همگام و متحد شوند". (۱) در ۲۵ تا ۲۷ اوت، پس از کنگره هفتم کمینترن، هیات نمایندگی چین جلسه‌ای فوری در مسکو برگزار کرده و مساله تشکیل یک جبهه متحد در چین را از تمام زوایا مورد بررسی و تدقیق قرار داد. گزارش مفصلی در این مورد توسط وان مین قرائت گردید و نکات اصلی آن در مقاله‌ای تحت عنوان "مبارزه برای یک جبهه متحد ضد امپریالیستی و وظایف فوری حزب کمونیست چین" گنجانیده شد.

حزب کمونیست چین در تنظیم (۲) تاکتیک‌های جدید خود، نخست بحران سیاسی ملی عمیق در چین (بحران ناشی از تجاوز بیگیرا امپریالیسم ژاپن، سیاست امتیاز طلبانه (۳) حکومت نانکین و جنگ کثومین تان علیه ارتش سرخ و مناطق شورایی) و سپس ضعف ارتش سرخ و شوراهای را مدنظر داشت. وان مین چنین نوشته بود: "در حالی که بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از مردم هنوز از نقطه نظر سیاسی تحت نفوذ مقامات دولتی، احزاب و گروه-بندیهای (۴) دیگر قرار داشته و هنوز در شمار طرفداران شوراهای نیستند، ارتش سرخ به تنهایی قادر نخواهد بود امپریالیسم ژاپن و یادی آن را شکست دهد". (۵) در میان این احزاب،

(۱) همان جا، ص ۱۳۲۸

(۲) Formulating (فرموله کردن)

(۳) Capitulatory Policy سیاستی است که فراتراز چهار ریبوب قوانین، با صدور احکامی آمرانه و اجرایی آن به ضرب قدرت، امتیازات خاصی را برای خود مطرح می‌کند. کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) از جمله همین گونه سیاست‌ها است. م.

(۴) Groupings

(۵) انترناسیونال کمونیستی، ج ۱۳، فوریه ۱۹۳۶، شماره ویژه

کثومین تان بزرگترین و بانفوذترین آنها بود.

حزب کمونیست چین در تاکتیک های جدید خود این نکته را در نظر گرفته بود که بحران ملی، صف بندی نیروهای طبقاتی را دگرگون ساخته است. حزب کمونیست چین در این رابطه مجبور بود به وظیفه "مبصر جذب" هر چه بیشتر نه تنها محافل (۱) واقعاً انقلابی و دارای آگاهی طبقاتی و عناصر شرافتمند، بلکه به جذب متحدین و پشتیبانان موقتی خود از میان طبقات و اقشار مختلف جامعه چین - حتی آنهایی که موقتا "دچار تردیداند - به مبارزه" رهایی بخش ملی" عمل نماید. (۲)

وان مین اگرچه در شرایط حاکم برجین آن روز تصدیق می کرد که مبارزه، نیروهای انقلابی باید متوجه "امپریالیسم ژاپن" و حکومت نانکین باشد "معهدا" "امپریالیسم ژاپن" را دشمن اصلی مردم چین می نامید. از آن گذشته، وان مین از اتحاد با چیانگ کای شک (۳) در یک جبهه متحد، به شرطی که "واقعا به جنگ با ارتش سرخ پایان داده و سلاح خود را به طرف امپریالیسم ژاپن نشانه رود" ابایی نداشت. (۴)

احساسات گروهگرایانه، چپ در رهبری حزب کمونیست چین مانع اصلی اتخاذ شی تاکتیکی جدید بود. در نتیجه، پس از کنگره هفتم کمینترن، همانطور که وان مین خاطر نشان ساخت، حزب کمونیست چین هنوز سیاست ایجاد جبهه متحد را به عنوان یک سلاح تاکتیکی عمده به حساب نیاورده و آن را با سیاست

(۱) Circles

(۲) همان جا، ص ۱۱۲

(۳) Chiang Kai-Shek

(۴) انترناسیونال کمونیستی، ۱۹۳۵ - شماره های ۳۳ - ۳۴

ص ۱۶ (به زبان روسی).

حزبی در تمام زمینه‌های کار و مبارزه خود پیوند نداشته بود. (۱) به همین جهت وان مین لزوم تغییر سیاست حزب کمونیست چین و حکومت شورایی چین را در مورد مسایل ارضی، در مورد فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی و در زمینه اداره امور سیاسی و ترکیب اجتماعی ارتش سرخ پیش کشید. این فقط یک مساله از اقدامات اولیه در امر تجدیدنظر در سیاست حزب کمونیست چین در جهت ایجاد هماهنگی با تاکتیک‌های جبهه متحد ضد ژاپنی به شمار می‌رفت.

در سامبر سال ۱۹۳۵ دفتر سیاسی (۲) کمیته مرکزی حزب کمونیست چین قطعنامه (۳) مفصلی درباره جبهه متحد چین صادر کرد که بر تصمیمات کنفرانس هفتم کمیترین و مطالب کنفرانس هیات نمایندگی چین و بویژه برگزارش وان مین مبتنی بود. این قطعنامه در کل، موفقیت سیاسی داخلی چین را به درستی را تجزیه و تحلیل می‌کرد. در این قطعنامه آمده بود که: "ویژگی عمده موقعیت کنونی در آن است که امپریالیسم ژاپن بعد از اشغال چهار استان شمال شرقی چین، اشغال چین شمالی را آغاز کرده و در نظر دارد تا درگام‌های بعدی سرتاسر چین را متصرف شود و آن را از حالت یک کشور نیمه مستعمره تحت قدرت‌های مختلف امپریالیستی به صورت مستعمره خاص خود درآورد. در بیانیه اضافه شده بود "نوسانات و شکافها در اردوگاه ضد انقلاب روبغزونی نهاده است. بخشی از بورژوازی، بسیاری از کولاک‌ها (۴)

(۱) همان جا . ص ۲۲

(۲) Politbureau (پولیت بورو)

(۳) Resolution

(۴) Kulaks اصطلاحی است در مورد دهقانان مرفه روسیه در

قرن نوزدهم. کولاک‌ها دارای زمین کافی و بینه مالی قوی ←

و خرده مالکین (۱) و حتی قسمتی از سران ارتش (۲) موضع بیطرف خیرخواهان‌های اتخاذ کرده و یا به جنبش ملی جدید پیوسته‌اند. جبهه انقلاب ملی گسترش یافته است. (۳)

حزب کمونیست چین با در نظر گرفتن تغییرات حاصله در صف بندی نیروهای طبقاتی، تاکتیک‌های سازماندهی "وسیعترین جبهه متحد ملی ضد ژاپونی (هم در سطوح پایین و هم در سطوح بالا) را پیش گرفت و خود را موظف دانست که نه تنها نیروهای اصلی انقلابی" کارگران، دهقانان و خرده بوروژازی شهری (بلکه حتی متحدین احتمالی (۴) از جمله بوروژازی ملی و حتی بعضی از سران ارتش را در یک جبهه متحد گرد آورد.

در اردوی حاکمه کومین تان، چند گروه بزرگ نظامی گرا (۵) وجود داشت. گروه نانکن کثومین تان به رهبری چیانکای شک، از لحاظ سیاسی و نظامی قدرتمندترین آنها بشمار می‌رفت. این گروه برای کسب نفوذ سیاسی در کشور با دستجات جنگ طلب دیگر درگیر مبارزه بود. برخی از سران ارتش - از جمله

هستند. این قشر نیروی کار دیگر کارگران مزد بگیر کشاورزی را استثنا نمی‌کنند. این قشر در نتیجه رشد مناسبات سرمایه - داری درده، از نفوذ و قدرت نسبتاً زیادی برخوردار شده و نقش مهمی را در تولید کشاورزی ایفا می‌کند. م.

Petty Landowners (۱)

Warlords (۲)

(۳) "قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره موقعیت کنونی و وظایف حزب" منابع تاریخ انقلاب چین

ج ۳ ص ۱۴۸

Possible allies (۴)

Militarist (میلیتاریست) (۵)

چان هسونه لیان^(۱)، فرمانده ارتش شمال شرقی - که در نتیجه تجا و ز زاین قلمرو نظامی خورد را از دست داده بودند، در اثر سیاست امتیاز طلبانه، چیانکای شک سخت بخود آمدند. قطعنامه به کمونیست ها می آموخت که از تضا ده های اردوی حاکمه بورژوازی بزرگ و زمین داران حداکثر استفاده را به عمل آورند و در نظر داشته باشند که جنگ بین نیروهای امپریالیستی در چین باعث ظهور و پیدایش دستجات نظامی گرای رقیب هم گردیده است. "حزب با ید از تضا ده ها و کشمکش های بین این دستجات استفاده کرده و سعی کند که لا اقل بخشی از نیروهای ضد انقلابی را عجلتاً از اقدامات عملی علیه جبهه متحد ضد ژاپنی بازدارد".^(۲)

حزب کمونیست چین حکومت دفاع ملی و ارتش متحد ضد ژاپنی را گسترده ترین و بالاترین شکل سازمان سیاسی جبهه متحد می دانست. حزب، برنامه ده ماده ای مندرج در بیانیه اول اوت ۱۹۳۵ را بعنوان برنامه کار^(۳) سیاسی کلی جبهه متحد پیشنهاد کرد.

حزب کمونیست چین در تعقیب مشی تاکتیکی جدید خود تصمیم گرفت تا جمهوری شورایی را بصورت جمهوری شورایی خلق تغییر دهد. در نتیجه، این امر، لازم می آمد که تغییراتی چند در سیاست حکومت شورایی بعمل آید (پایان دادن به مصادر زمین و اموال کولاک هایی که سائیدهقانان را به اشکال فئودالی استثمار نمی کردند، ایجاد شرایطی مساعد برای بورژوازی ملی در تجارت و غیره). حکومت شورایی خلق تمام حقوق سیاسی (از جمله شرکت در ارکان قدرت)^(۴) را به

Chang Hsueh-Liang

(۱)

(۲) منابع تاریخ انقلاب ص ۱۵۱

(۳) Platform (پلاتفرم) (۴)

نمایندگان خرده‌بورژوازی، به روشنفکران برخاسته از هر منشاء اجتماعی (زمینداران، کولاک‌ها، بورژوازی ملی) و به تمام سربازان و افسرانی که (بدون در نظر گرفتن درجه آنها) مخالف تجاوزات ژاپنی‌ها و خیانتکاران بودند اعطا می‌کرد (۱) در قطعنامه تاکید شده بود، در دورانی که حزب دست‌اندرکار پیاده کردن تاکتیک جبهه متحد ملی است، گروه‌گرایی منشاء اصلی خطر برای حزب به حساب می‌آید.

"توانایی کار در میان اقشار اجتماعی پایین توده‌ها اگر چه خیلی مهم است لیکن کافی نیست. لازم است طرز کار ربارهبری همه احزاب سیاسی دیگر و رهبری گروه‌هایی که نفوذ توده‌ای دارند، را یاد گرفت. حزب ما باید آماده مذاکره‌ها، مصالحه‌ها (۲) و توافق‌ها باشد تا بتواند اعضاء فعال احزاب دیگر را به کنار خود بکشانند.... کمونیست‌ها باید فعالانه در میان دهقانان، سربازان، شهیدستان، خرده‌بورژواها، روشنفکران و در میان کلیه متحدین انقلاب بکار بپردازند. کمونیست‌ها باید بخاطر منافع حیاتی این توده‌ها بجنگند و این اطمینان را در میان آنان بوجود آورند که حزب کمونیست نه تنها به خاطر منافع طبقات زحمتکش بلکه به خاطر منافع اکثریت قاطع مردم چین و منافع تمام ملت تلاش می‌کند." (۳)

تصمیم گیری کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مورد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی، گامی پراهمیت در کاربرد خلاق مشی تاکتیکی جدید حزب کمونیست چین بود.

اتخاذ تاکتیک‌های جدید، چه از نظر زمانی و چه از نظر حیاتی،

(۱) همان جا . ص ۱۵۵-۱۵۲.

(۲) Compromises

(۳) همان جا . ص ۱۶۱.

برای حزب کمونیست چین بسیار اهمیت داشت. شکست نظامی جنبش شورایی در جنوب کشور، نیروهای حزب و ارتش سرخ را بشدت تضعیف کرد. برای احزاب کمونیست چین تنها سی هزار و برای ارتش سرخ نیز تقریباً "همین تعداد عضو باقی ماند". تنها پایگاه شورایی موجود که با منابع مادی ناچیزش در مرز استان های عقب مانده، شن سی (۱) و کانسو (۲) بجا مانده بود بوسیله "سربازان کثومین تان که از لحاظ تعداد دبه چند برابر ارتش سرخ می رسید، محاصره گردید. سازمانهای حزبی در دیگر نقاط کشور نابود شدند. در چنین شرایطی، حزب کمونیست چین تنها در صورتی می توانست باقی بماند و توسعه یابد که کثومین تان از جنگ علیه ارتش سرخ دست بردارد و تمام نیروهای میهن پرست علیه مهاجمین ژاپنی متحد شوند.

اما مصوبه "دفتر سیاسی کمیته" مرکزی حزب کمونیست چین، در تغییرش از اصول اساسی تاکتیک های جبهه "متحد، عاری از تناقضات جدی نبود. حزب کمونیست چین از یک طرف در نظر داشت تمام متحدین احتمالی، از جمله دستجات نظامی گرا را به سوی جبهه "متحد جذب نماید و از طرف دیگر این دور نما را پیش روی خود داشت که گروه های نانکین کثومین تان چنانکای شک موضع خود را عوض کرده و با ژاپن به مقابله بپردازند، و این در حالی بود که حزب، هم گروه نانکین و هم مهاجمین ژاپنی را بعنوان دشمنان اصلی خلق چین به حساب می آورد، در قطعنامه آمده بود "مشی تاکتیکی حزب باید بسیج، اتحاد و سازماندهی نیروهای انقلابی تمام کشور و تمام ملت علیه دشمن اصلی در این مقطع زمانی را - که همانا امپریالیسم ژاپن و

Shensi (۱)

Kansu (۲)

چیانکای شک سرکرده خائنین به ملت است - دربرگیرد." (۱)
 اگرچه حزب کمونیست چین در ارزیابی خود از ماهیت ضدانقلابی
 سیاست چیانکای شک نسبت به حزب کمونیست چین و ارتش سرخ
 راه درستی پیموده بود لیکن رهبری حزب کمونیست چین به این
 نکته توجه نکرده بود که تفاوت های مهمی بین گروه نانکن و
 نظامی گرایان ژاپنی وجود دارد و هرچه تنها جم ژاپنی ها گسترده تر
 شود، این تفاوت ها بیشتر می شود. به همین جهت، این یک
 خطای گروه گرایانه، چپ محسوب می شد که گروه کثومین تان
 نانکین را با نظامی گرایان ژاپنی در یک ردیف قرار دهند.
 همچنین در قطعنامه خطاهای فرصت طلبانه (۲) راست نیز
 وجود داشت. از جمله در بحث گسترش و استحکام حزبی "پیشنهاد
 بسیار خطرناکی گنجانده شده بود که حزب را مکلف می ساخت تا
 "تمام کسانی را که بخواهند به خاطر اهداف حزب کمونیست
 بجنگند، بدون در نظر گرفتن خاستگاه اجتماعی آنها" بصورت
 قبول کند. در قطعنامه ذکر شده بود. "حزب بیمی از آن ندارند
 که مقام پرستان (۳) به داخل صفوف آن نفوذ کنند" از اختلاف
 سطح سیاسی بعضی از اعضا پیش که خاستگاه طبقاتی غیر پرولتری
 دارند "نیز نمی ترسد زیرا که" آنان را با آموزش کمونیستی تا
 حد نیروهای پیشاهنگ ارتقاء خواهد داد". (۴) چنین شیوه
 برخوردی (۵) با مساله عضویت در حزب کاملاً بدین معنا بود که
 عناصر پرولتری، آنهم با موقعیت ضعیفشان، توسط توده های

(۱) همان جا. ص ۱۵۰

(۲) Opportunistic (اپورتونیستی)

(۳) Careerists (کاریریست ها)

(۴) همان جا. ص ۱۶۳-۱۶۴

(۵) Approach

دهقانی و خرده بورژوازی بلعیده خواهند شد. از آغاز سال ۱۹۲۸ مناطق عقب مانده روستایی بصورت مراکز فعالیت حزب کمونیست چین درآمد. در اوایل سال ۱۹۳۵ زمانیکه قطعنامه فوق الذکر تصویب شد، حزب کاملاً "شکل یک سا زمان دهقانی را به خود گرفت. حزبی اینک دروازه های خود را به روی نمایندگان دهقانان مرفه، کولاک ها، خرده مالکین، افسران نظامی کثومین تان، صنعتگران، دانشجویان، روشنفکران خرده بورژوا و غیره گشوده بود. بنابراین رهبری حزب به ناچار از کولاک ها، زمین داران خرده بورژوا و حتی عناصر بورژوازی تشکیل می شد چرا که تقریباً تمام دهقانان فقیر و میان نه حال، فاقد سواد بودند. این موضوع حزب کمونیست چین را، هم از لحاظ ترکیب اجتماعی و هم از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیکی، با خطر شدید استحاله به یک حزب خرده بورژوازی مواجه ساخت. هیات اجرایی کمینترن این رویه نادرست کمیته مرکزی حزب کمونیست چین را مورد انتقاد قرار داد، پذیرش متقاضیان عضویت در حزب بدون در نظر گرفتن خاستگاه اجتماعی آنها را بشدت تقبیح کرد و بر لزوم تقویت هسته های پرولتری حزب کمونیست چین تاکید نمود. جریان بعدی امور، صحت نظریه کمینترن را به اثبات رسانید و نشان داد که ترس از آینده حزب کمونیست چین بسیار بجا بوده است. بعد از کنگره هفتم کمینترن، تلاش های عملی حزب کمونیست چین در ایجاد جبهه ملی متحد، دعوت به پایان دادن جنگ داخلی، دفع متجاوزین ژاپنی و برنامه حکومت دفاع ملی کمک شایانی به گسترش جنبش رهایی بخش ملی در سرتاسر کشور نمود. در آن زمان همه شعارهای اصلی حزب کمونیست چین، از پشتیبانی نمایندگان طبقات مختلف اجتماعی (کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا) برخوردار شد و تمامی عملیات بزرگ نیروهای دموکرات

انقلابی چین، تحت لوای همین شعارها انجام گرفت .
 در دسامبر ۱۹۳۵ مبارزه دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان و سایر محافل ملی برای نجات میهن، ابعاد وسیعی به خود گرفت .
 موج گسترده‌ای از جنبش ضد ژاپنی که نشانگر جذب شدن بخش‌های متعددی از خرده بورژوازی شهری و روشنفکران به انقلاب و همچنین نشانگر بروز نوسانات (۱) تازه‌ای در اردوگاه بورژوا - ملاکین بود، پدید آمد .

تا تابستان ۱۹۳۶ جنبش ضد ژاپنی در سرتاسر چین کثومین تان گسترش یافت : یک اتحادیه سرتاسری دانشجویی و یک مجمع سرتاسری نجات ملی از کارگران ، خرده بورژوازی شهری ، روشنفکران و بورژوازی ملی تشکیل گردید . این نشان می‌داد که یک جبهه متحد ملی تدریجا " در حال شکل گیری است . حزب کمونیست چین با رهبری این سازمانهای میهن پرست (۲) ارتباط برقرار کرد ، بر فعالیتها ، برنامه‌ها و شعارهایشان تاثیر گذاشت و شعارهای مجمع سرتاسری از جمله شعارهایی نظیر "جنگ خانگی را پایان بخشیم و همه با هم پوزّه" مهاجمین را به خاک بمالیم" ، "حقوق دموکراتیک برای مردم" و غیره ، بصورت شعار رایج در محافل وسیع جامعه چین درآمد .

Vacillations (۱)

(۲) Patriotic (پاتریوتیک)

مبارزه کمینترن علیه خطای گروه گرایانه - چپ

در سیاست جبهه متحد حزب کمونیست چین

مشی تاکتیکی حزب کمونیست چین در برپایی یک جبهه متحد ملی تا به آخر پیگیری نبود، برای کمونیست های چین چرخش ناگهانی از انقلاب ارضی و ۹ سال جنگ داخلی به سیاست جبهه ملی ضد ژاپنی، کار دشواری بود، چه بسا افراد، حتی در سطح رهبری، که به گفته وان مین "هنوز به درستی معنای کاربرد عملی تاکتیک های جبهه متحد را تماما درک نکرده بودند". (۱)

عامل دیگری که خود را به رخ می کشید این بود که کمینترن و حزب کمونیست چنین مسایل و جنبه های جنبش شورایی و انقلاب ارضی را، در طول مبارزه برای جبهه متحد، کاملاً بررسی نکرده بودند. لازم به یادآوری است که کنگره هفتم کمینترن اطلاعات کاملی در مورد جنبش شورایی و نیروهای مسلح حزب کمونیست چین در دست نداشت. هنوز خیلی مانده بود که ارتش سرخ بتواند حمله خود را به نتیجه رساند. بنا بر این قطعاً ماه کنگره هفتم تنها به تعریف خط کلی روند (۲) انقلاب چین اکتفا کرده و چنین بیان داشت که گسترش جنبش شورایی و تقویت نیروهای رزمنده ارتش سرخ بایستی با رشد جنبش ضد امپریالیستی در تمام کشورتوا باشد". (۳)

(۱) انترناسیونال کمونیستی، ج ۱۳، ش ۵، لندن ۱۹۳۶، ص ۳۰۶

(۲) Process (پروسه)

(۳) انترناسیونال ۰۰۰، ج ۱۲، ش ۱۷-۱۸، لندن ۱۹۳۵، ص ۹۵۶

کمینترن بعدها طی توصیه ای به حزب کمونیست چین، پیشنهاد قبلی خود در قطعنامه کنگره هفتم را اصلاح کرده و خاطر نشان ساخت که لازم است جنبش توده ای ضد ژاپنی تقویت گردد، کار بیشتری در میان کثومین تان صورت گیرد و سیاست شوراهادر خط تاکتیک های جبهه متحد قرار داده شود. تا این زمان، کمینترن هنوز فکرمی کرده که گسترش جنبش برای ایجاد یک جبهه متحد، به توسعه و تحکیم شوراهاکمک خواهد نمود حال آنکه این دوروند عملاً قابل جمع نبودند. عدم آمادگی توده ها جهت پیوستن به شوراهادر شمال، عملاً "گسترش جنبش شورایی را در آن مقطع زمانی غیر ممکن می ساخت.

در چنین شرایطی، ماجراجویی^(۱)، گروهگرایی^(۲) و مخصوصاً عملیات عجولانه، فرماندهی ارتش سرخ علیه سربازان کثومین تان خطر عمده ای برای حزب کمونیست چین به شمار می آمد. این اعمال تنها می توانست جنگ داخلی را گسترش بخشد، تلفات سنگینی به ارتش سرخ وارد آورده و جبهه متحد را عقیم گذارد.

با وجود این، در آغاز سال ۱۹۳۶، مائوتسه دونو گروه او، طرح غیر واقع بینانه ای را به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تحمیل کردند که عبارت از گسترش جنبش شورایی در مناطق شمالی (سوئی یو آن - جاها ر)^(۳) و مناطق شرقی (شان سی)^(۴) بود. کشا و رزان ارتش سرخ به استان شان سی در فوریه - آوریل سال ۱۹۳۶ جزیی از طرح استراتژیک

(۱) Adventurism (آوانتوریسم)

(۲) Sectanism (سکتاریسم)

(۳) Suiyuan-chahan

(۴) Shansi

فوق الذکر ما فوتسه دون به حساب می آمد. اگرچه اعلام شده بود که منظور از حرکت به شمال " سرکوب مهاجمین ژاپنی " است. لیکن در حقیقت ضربه اصلی متوجه ارتش کثومین تان بود. همه این اعمال منجر به وخیم تر شدن موقعیت سیاسی در کشور شده و چشم انداز جنگ داخلی را وسیعتر کرد. ارتش سرخ تلفات سنگینی متحمل شد و مجبور به عقب نشینی گردید. چنانکای شک نیروهای اضافی برای محاصره نین - سیا^(۱)، منطقه مرزی شن سی وکان سو، اعزام داشت. این کار موجب ایجاد شرایطی بحرانی در آن منطقه شورایی گردید. در این شرایط لازم بود که از گسترش بیشتر جنگ داخلی ممانعت به عمل آید، نظر رهبری کثومین تان و ارتش های در حال پیشروی، به امضا موافقتنامه آتش بس با حزب کمونیست چین جلب گرد و سپس به جنگ داخلی پایان داده شود.

حکومت جمهوری شورایی خلق چین^(۲) و شورای نظامی انقلابی ارتش سرخ^(۳) با قرار گرفتن در این موقعیت دشوار، در پنجم ماه مه، با ارسال یک پیام، کمیته نظامی حکومت نانکین، و تمام نیروهای مسلح، تمام احزاب، گروهها و سازمانها را به پایان بخشیدن به جنگ داخلی فراخواندند. حکومت شورایی چین و فرماندهی ارتش سرخ اعلام داشتند که آماده اند " ظرف یک ماه به تمام خصومت ها پایان دهند و با تمام نیروهای که علیه ارتش سرخ ضد ژاپنی می جنگند از در صلح در آیند ". پیام ارسال شده حاکی از آن بود که " وظیفه فوری همانا پایان دادن به جنگ داخلی قبل از هر کجا در استانهای شن - سی،

Government of Ningsia (۱)
 the Chinese Soviet People's Republic (۲)
 Military Revolutionary Council of the Red (۳)
 Army

کان سو و شان سی است". (۱) اندکی پس از آن، نماینده حزب کمونیست چین، در باره موضوع ترک مخاصمه، با نمایندگان حکومت نانکین به مذاکره پرداخت اما نتیجه مطلوب حاصل نگشت. در همان زمان، مذاکرات بین حزب کمونیست چین و لشکرهای شمال شرقی و شمال غربی ارتش کثومین تان که مناطق شورایی را در محاصره داشتند، بطور موفقیت آمیزی پیش می رفت. در میان سایر عوامل، این بیش از هر چیز بخاطر وجود احساسات نیرومند ضد ژاپنی در میان سربازان و افسران این ارتش ها بود که باعث پیشرفت مذاکرات می شد. مذاکرات سرانجام به یک موافقتنامه ترک مخاصمه منتهی گردید.

وانگهی در آن موقع توجه چیانکای شک موقتا به رویدادهای جنوب غربی چین - جایی که ژوئن ۱۹۳۶ سران ارتش کوان - تون (۲) و کوان سی (۳) رشته عملیات نظامی را علیه او آغاز کرده بودند - معطوف بود. چیانکای شک به ناگزیر ارتش عظیمی به جنوب گسیل داشت و موقتا " عملیات نظامی علیه ارتش سرخ در شمال غربی را متوقف کرد.

بهبود موقعیت، نظامی در منطقه شورایی و شعله ور شدن آتش مبارزه در داخل از دو گاه حاکمه، احساسات ماجراجویانه (۴) را در رهبری حزب کمونیست چین بازدمید. حزب کمونیست چین روی عملیات سران ارتش در جنوب غربی چین سخت حساب می کرد و سعی می نمود تا با استفاده از این اوضاع و شرایط، جنگ علیه گروه نانکین چیانکای شک را ادامه دهد. کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در قطعنامه ای تحت عنوان " موقعیت

(۱) منابع تاریخ انقلاب چین ج ۳، ص ۱۶۷

(۲) Kwantung (۳) Kwangsi

(۴) Adventurististic (آوانتوریستی)

سیاسی کنونی" در ۱۳ ژوئن سال ۱۹۶۳ نه تنها از درک ماهیت نظامی گرایانه، ضد مردمی جنگی که سران ارتش جنوب غربی به راه انداخته بودند نا توان بود، بلکه، برعکس آنرا بعنوان "یک جنگ تاحدی دارای ویژگی انقلاب ملی" توصیف می کرد (۱) در قطعنامه آمده بود "این جنگ، علیه خائن اصلی به ملت یعنی چیانکای شک است. در وضعیت جاری، جنگ علیه مهاجمین ژاپنی از جنگ علیه چیانکای شک جدایی ناپذیر است." کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از این مقدمه که سران ارتش جنوب غربی علیه چیانکای شک به جنگ برخاسته اند، به این نتیجه رسید که می توان به اتحادی با گروه بندی های یاد شده نظامی دست یافت. "ما باید این جنگ را تشویق، حمایت و گسترش دهیم تا با بسیج تمام نیروهای که علیه مهاجمین ژاپنی و خائنین ملی می رزمند یک حکومت دفاع ملی و یک ارتش متحد ضد ژاپنی را بنحوی که جمهوری خلق شورایی چین و ارتش سرخ ضد ژاپنی محور آن باشند به وجود آوریم." (۲) رهبری حزب کمونیست چین در آن زمان بر سر آن بود که به همراه ارتش های چیان هو - لیان (۳) و یان - چن (۴)، ارتش متحد ضد ژاپنی شمال غرب (۵) را پی ریزد. بدین ترتیب رهبری حزب

(۱) "در قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره موقعیت سیاسی کنونی" (۱۳ ژوئن ۱۹۳۶). (ها تونوکنیتی)، تاریخ حزب کمونیست چین، مرور منابع، ج ۶، توکیو، ۱۹۶۱.

(۲) همان جا، ص ۲۳۶

(۳) Chiang Hsueh-Liang

(۴) Yan Hu-Chen

(۵) Northwestern United Anti-Japanese Army

کمونیست چین می‌خواست با تکیه بر سران ارتش، از شمال و جنوب به ارتش چیانکای شک‌ضربه وارد آورد. کاملاً واضح است، این نقشه که تحت تاثیر انحراف گروه‌گرایانه - چپ رهبری حزب کمونیست چین طرح‌ریزی شده بود، به هیچ‌وجه به اتحاد تمام نیروهای ملت در مبارزه علیه تجا و زگران ژاپنی کمک نمی‌کرد. در واقع این نقشه، راه میان‌بری بود به جنگ داخلی و قطعاً "نظامی‌گرایان ژاپنی از آن سود می‌جستند." این کار لامحاله تاکتیک‌های جبهه متحد ملی در مبارزه علیه جنگ امپریالیستی راناکام می‌گذاشت.

فعالیت دستجات شمال غربی آشکارا نشان داد که نقشه‌های رهبری حزب کمونیست چین بطرز بسیار خطرناکی غیر عقلانی است. سران ارتش جنوب قصد عقب‌راندن ژاپن را نداشتند. اینان پیشنهاد حزب کمونیست چین دایره‌تتشکیل دولت متحد دفاع ملی و بکارگرفتن برنامه دموکراتیک ضد ژاپنی را رد کردند. اینان پیشنهاد تشکیل یک جناح متحد (۱) با سایر سازمانها و گروههای ضد ژاپنی را نیز پس زدند. سران ارتش جنوب غربی در مقابل پاره‌ای امتیازات و وعده‌و وعیدها به سرعت با چیانکای شک‌کنار آمدند.

بدین ترتیب حزب کمونیست چین به رهبری مائوتسه دون که بار دیگر اشتباهات "سمت و سوی مبارزه" سیاسی و مسلحانه اش را، به جای مهاجمین ژاپنی، روی چیانکای شک متمرکز می‌کرد، بصورت پشتیبان یک جنگ نظامی رسماً "ارتجاعی درآمد. این اساساً "بامشی هیات اجرایی کمینترن در مورد تشکیل یک جبهه متحد ضد ژاپنی مغایرت داشت.

مورخین جدید چین که از مائو الهام می‌گیرند چنین

می‌نویسند که در پنجم ماه مه ۱۹۳۶، روزی که مائوتسه دون و چوته (۱) - فرمانده کل ارتش سرخ - پیامی به شورای نظامی دولت نانکین ارسال داشتند، حزب کمونیست چین شعار "مرگ بر چیانکای شک را کنار نهاده و به اصطلاح تاکتیک‌هایی را اعمال کرده که چیانکای شک را به شرکت در جنگ ضد ژاپنی وادارد. یکی از وسایل اعمال این "فشار" همانا سیاست "اتحاد با گروه‌های داخل کثومین تان و سر با زان آنها" بود. هوکان - چی (۲) تاریخ نویس چینی در این باره چنین می‌نویسد "با اتخاذ این مشی، حزب تصمیم گرفت از هیچ یک از جناح‌های متخاصم درون کثومین تان که کشمکش‌شان در همان زمان آغاز شده بود، جانبداری نکند" (جنگ بین گروه‌های نانکین و کوانتون) (۳)، متحوای قطعنامه ۱۳ ژوئن کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نادرستی استنتاجات مورخین مائوتسه را بخوبی ثابت می‌کند. این مائوتسه دون و حامیانش نبودند که مسئول دگرگونی‌های بیشتر در مشی تاکتیکی حزب کمونیست چین بشمار می‌آمدند، بلکه این مسئولیت را کمینترن و هواداران آن در داخل رهبری حزب کمونیست چین بود که بر عهده داشت.

در تابستان سال ۱۹۳۶، کمینترن تلاش‌های تقریباً یک ساله حزب کمونیست چین در بکار بستن تاکتیک‌های جبهه متحد ملی ضد ژاپنی، مهمترین تصمیمات و مصوبات حزب کمونیست چین و همچنین دگرگونی‌های موقعیت سیاسی داخل

(۱) Chuteh

(۲) Ho Kan-Chih

(۳) ر. ک. : هوکان چی. تاریخ انقلاب معاصر چین. مسکو

۱۹۵۹. ص ۳۳۸ - ۳۳۹ (به زبان روسی)

کشور را تجزیه و تحلیل کرد، اشتباهات حزب را افشاء نمود و موارد تصحیح سیاست جبهه ملی را بطور جدی مطرح ساخت .

کمینترن با پذیرش کلی مشی حزب کمونیست چین، به لزوم تصحیح و پیشبرد بعضی از نکات اساسی در تاکتیک های جبهه متحد و کنار گذاشتن اشتباهات گروه گرایانه - چپ و فرصت طلبانه - راست تاکید ورزید . (۱) گئورگی دیمیتروف (۲) در مقاله اش به مناسبت پانزدهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست چین نوشت که : "مشکلات داخلی نیز بر سر راه حزب کمونیست چین وجود دارد . بایستی بر مقاومت عناصر گروه گرا (۳) که درک نمی کنند در شرایط حاضر تنها راه نجات خلق چین ایجاد یک جبهه متحد ملی علیه تجا و زگران ژاپنی است ، غلبه کرد . همچنین لازم است علیه امتیاز طلبان فرصت جو که حاضرند استقلال سیاسی و سازمانی حزب و ارتش سرخ را فدا کرده و آن را در داخل سازمان های دیگر حل کنند ، مبارزه نمود " . (۴)

کمینترن به حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که در سیاست خود نسبت به کثومین تان بطور اعم و نسبت به گروه نانکین کثومین تان چنانکای شک بطور اخص تجدید نظر نماید . کمینترن یادآور شد که سیاست حزب کمونیست چین دایر بر جنگ همزمان

(۱) مهمترین توصیه های کمینترن ، انعکاس خود را در مقاله "برنامه ای و انمین تحت عنوان "پانزده سال مبارزه در راه استقلال و آزادی خلق چین ، بجای گذارده است . انترناسیونال کمونیستی ج ۱۳ ، ش ۹ ، لندن ۱۹۳۶ ، ص ۵۸۱-۵۹۳

(۲) Georgi Dimitrov

(۳) Sectarist (سکتاریست)

(۴) گ . دیمیتروف ، "پانزدهمین سالگرد تاسیس حزب

کمونیست چین" ، جبهه متحد ، نیویورک ۱۹۳۸ ، ص ۱۹۵ .

کثومین تان تحت رهبری چیانکای شک و با متجا وزین ژاپنی، از لحاظ سیاسی خطا است و تاکید کرده: مادامی که ارتش فاشیست ژاپن دشمن اصلی مردم چین است، کمونیست ها نباید کثومین تان و چیانکای شک را در ردیف غارتگران ژاپنی قرار دهند زیرا این مبارزه علیه کسانی است که در مرحله فعلی همه چیز باید تحت الشعاع آن قرار گیرد. بعلاوه ما نمی توانیم کل کثومین تان و کلیه سربازانش را بمثابه متحدین و مزدوران امپریالیسم ژاپن بیانگاریم. برای حزب کمونیست چین روشن است که یک مقاومت مسلحانه واقعی و جدی علیه غارتگران ژاپنی، مستلزم شرکت سربازان کثومین تان و یا اکثریت قاطع آن در این مقاومت است." (۱)

بنابراین حزب کمونیست چین می بایست سعی کند به خصومت های موجود بین ارتش سرخ و چیانکای شک پایان داده و با وی بر سر مبارزه مشترک علیه متجا وزین ژاپنی به توافق رسد. به عقیده کمینترن از نقطه نظر سیاسی، "تشکیل یک جبهه متحد ملی در چین باید، ضمن حفظ استقلال سیاسی و سازمانی، بطور مشخص در یک توافق سیاسی بین حزب کمونیست و کثومین تان و دیگر سازمانها، بر مبنای یک برنامه کارکلی در مورد مبارزه علیه متجا وزین ژاپنی توصیف شود." (۲)

حزب کمونیست چین به منظور متحد کردن تمام کشور برای مبارزه علیه متجا وزین ژاپنی، مجبور بود با تمام نیرو با ناسازگاری (۳) گروه بندی های مختلف درون کثومین تان، مقابله نماید. کمینترن در این زمینه متذکر شد که بیانیه

(۱) انترناسیونال کمونیستی ج ۱۳، ش ۰۹ ص ۵۸۸

(۲) همان جا ص ۵۸۷

(۳) Discord

حزب کمونیست چین دائر بر اعلام پشتیبانی از گروه جنوب غربی در مقابل جیانگای شک، یک اشتباه است. " در شرایط حاضر، هرگونه جنگ خانگی در چین راه را برای غارتگران ژاپنی هموار می‌کند" (۱) حزب کمونیست چین، در مسیر وظایف خود برای متحد کردن تمام مردم جهت جنگ تدافعی رهایی بخش در مقابل امپریالیست‌های ژاپنی، شعارهای دقیق‌تری مطرح ساخت. شعار "چین را از لوٹ وجود غارتگران ژاپنی، پاک کنید" جایگزین شعار "اعلام جنگ فوری علیه ژاپن" گردید و شعارهای تشکیل جبهه متحد شکل مشخص‌تری بخود گرفت. حزب پیشنهاد کرد که بهرگونه جنگ خانگی پایان داده شود و تمام نیروهای خلق چین علیه تجاوزگران ژاپنی یک کاسه شوند: "چینی با چینی نمی‌جنگد" و "سربازان چینی با سربازان چینی درگیر نمی‌شوند".

جایگزین کردن شعار "جمهوری دموکراتیک سراسر چین" به جای شعار قدیمی "جمهوری شورایی خلق" از جمله عوامل (۲) بنیانی جدیدی بود که تاکتیک‌های کمینترن را در جهت تشکیل یک جبهه متحد در چین هدایت کرد. "کمونیست‌های چین که از موضع منافع مردم چین حرکت می‌کنند، این حقیقت را مدنظر دارند که نواحی شورایی هنوز بخش نسبتاً کوچکی از سرزمین چین را شامل می‌شود و بخش متناهی از مردم چین هم اکنون آماده پذیرش حکومت شورایی نیستند..... حزب کمونیست چین پشتیبانی خود را از استقرار جمهوری دموکراتیک متحد سراسری خلق چین اعلام می‌دارد." (۳)

(۱) همان جا . ص ۵۹۰

(۲) Factor (فاکتور)

(۳) همان جا . ص ۵۹۱

گ. دیمیتروف یادآور می‌شود که این مشی سیاسی جدید حزب کمونیست چین، موقعیت جاری را در نظر گرفته و بر مرحله کنونی "مبارزه رهایی بخش در چین" (۱) منطبق است. برای رهبری حزب کمونیست چین آسان نبود که از تاکتیک متعاضیه چیانکای شک و متجاوزین ژاپنی، به تاکتیک اتحاد با چیانکای شک در جبهه متحد ضد ژاپنی چرخش نماید. به دستور چیانکای شک، به مدت ۹ سال، جنگ خونینی به مناطق شورایی تحمیل شده بود و صدها هزار نفر از کمونیست‌ها، کارگران انقلابی و دهقانان در سياهال‌های کثومین تان جان باختار بودند. حتی زمانی که حزب کمونیست چین شعار "مرگ بر چیانکای شک" را کنار نهاد، وی نه تنها از محاصره، مناطق شورایی دست نکشید، بلکه عملیات جنگی تلافی جویانه جدیدی را نیز برای نابود کردن ارتش سرخ و حزب کمونیست چین آغاز کرد. این عمل انزجار کمونیست‌ها و افراد ارتش سرخ را نسبت به چیانکای شک برانگیخت. در چنین اوضاع و شرایطی تمام اعضای حزب کمونیست چین می‌بایست عالیترین درجه انضباط (۲) را اعمال کنند و رهبری حزب کمونیست چین می‌بایست با نوعی درایت سیاسی (۳) برای "سد روانی" (۴) فائق آید و چیانکای شک را در مسیر تبدیل شدنش به یک متحد در پیکار علیه متجاوزین ژاپنی سوق دهد. رهنمودهای کمینترن مبتنی بر گرائیدن حزب کمونیست چین نسبت به گروه نانکین کثومین تان در این موقعیت برای کمونیست‌های

(۱) گ. دیمیتروف، همان کتاب (جبهه متحد)، ص ۱۹۳

(۲) Disipline (دیسپلین)

(۳) Political Perspicacity

(۴) Psychological barrier

چین ارزش به‌سزایی داشت .

حزب کمونیست چین تنها پس از توصیه‌های مصرا نه، کمینترن آنهم به‌گونه‌ای پیگیر، آغاز به اعمال تاکتیک‌های جدید نمود. در ۱۲۵ و ت، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نامه سرگشاده‌ای به کئومین تان ارسال داشت و اعلام نمود "همانند دوران انقلاب کبیر سال های ۱۹۲۴-۱۹۲۷ چین؛ که جبهه متشکل از دو حزب ما علیه ستم ملی و جور فئودال ها مبارزه کرد؛ آمده ایم تا یک جبهه متحد انقلابی قدرتمند با شما تشکیل دهیم". (۱) دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین طی تصمیمی که در مورخ ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۳۶ در مورد سیاست جدید حزب نسبت به گروه نانکین کئومین تان به تصویب رساند، چنین اظهار داشت که می‌خواهد "حکومت نانکین کئومین تان و ارتش آن را وادار به شرکت در جنگ تدافعی علیه ژاپن نماید" در این مصوبه، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین شعار "جمهوری دموکراتیک متحد" را؛ که در نظرا و، از لحاظ شکل، بهترین شیوه برای یکپارچه کردن کلیه نیروهای ضد ژاپنی جهت تضمین تمامیت ارضی (۲) چین و جلوگیری از خطرا نهادام موجودیت دولت و ملت بود؛ مشخصا "توضیح داد، بنا به مصوبه، " جمهوری دموکراتیک متحد، دموکراسی را در سطح وسیعتر از آنچه که شیوه حکومت شورایی (۳) قسمتی از چین می‌توانست برقرار کند، گسترش خواهد داد و این نظام اداری و اجرایی (۴)، بسیار پیشرفته‌تر از دیکتاتوری تک حزبی - کئومین تان - که در

(۱) منابع تاریخ انقلاب چین، ج ۳، ص ۱۷۵

(۲) Territorial integrity

(۳) Regime (رژیم)

(۴) Administration system

منطقه بزرگتری از چین برقرار کرده بود، عمل خواهد کرد" (۱)
 حزب کمونیست چین با کنایه گذاشتن شعار مبارزه علیه حکومت
 نانکین و جانشین ساختن شعار "جمهوری دموکراتیک متحد
 سراسری" به جای شعار "جمهوری شورایی خلق" شرایط مساعدی
 برای تشکیل جبهه متحد ملی ضد ژاپنی ایجاد کرد. دگرگونی
 در تاکتیک های حزب کمونیست چین از جمله عوامل بود که ،
 بیش از هر عامل دیگر، به جذب تدریجی نمایندگان بورژوازی
 ملی و گروه حاکم به مواضع جبهه متحد، کمک می کرد. مقامات
 حزب کمونیست چین ، با نمایندگان محافظ گوناگون اجتماعی
 و گروه بندی های سیاسی و نظامی تماس گرفته و با آنها وارد
 مذاکره شدند. بنا به گفته "وان چیا - هسیان" (۲) کارگزار (۳)
 امور خارجه، جمهوری شورایی خلق چین، "علیرغم این واقعیت
 که مشکلات فراوانی در جریان این مذاکرات بروز کرد، نتیجه
 عملی مذاکرات این بود که تعدادی از گروه های سیاسی و نظامی
 بتدریج از ضرورت تلاش های قاطعانه برای اتحاد در مبارزه
 علیه ژاپن آگاهی یافتند." (۴) و بدین ترتیب مذاکرات
 انجام شده بین نمایندگان حزب کمونیست چین و فرماندهان در
 بخش بسیار بزرگ کثومین تان، چان هسو - لیان ویان هو - چن ،
 منجر به ترک مواضع و امضای قرارداد اعلام آمادگی برای
 مبارزه مشترک علیه متجاوزین ژاپنی در پاییز ۱۹۳۶ گردید.
 چان هسو - لیان بعدها نوشت که در آن توافق با نمایندگان

(۱) همان جا . ص ۱۸۰

(۲) Vang Chia-hsiang

(۳) Commissar (کمیسر)

(۴) جنبش دانشجویی برای نجات میهن، چاپ دوم . پاریس،

۱۹۳۷ . ص ۳۱۲ (به زبان چینی)

حزب کمونیست چین، این نکته در نظر گرفته شده بود که " در الحاق کلیه یگان های ارتش سرخ به نیروهای مسلح ملی، تضمین خواهد شد که توانایی رزمی آنها دست نخورد باقی بماند".

پیرو این موافقتنامه، حزب کمونیست چین تعهد نمود که از تحریکات^(۱) سیاسی علیه نیروهای مسلح کثومین تان بپرهیزد و در عملیاتی که علیه حکومت یا علیه رهبران چیانگای شک انجام می گیرد، شرکت ننماید. در مقابل، قرار بر این شد که کمونیست هایی که در زندانهای کثومین تان بصرمی برند آزاد شوند و حزب کمونیست چین قانونی گردد. در پایان جنگ با ژاپن، ارتش سرخ از حقوق یکسان با سربازان ملت گرا^(۲) برخوردار می شود و حزب کمونیست بعنوان یک سازمان قانونی به فعالیت خود ادامه می داد. ^(۳) بنابراین اگر از وی محتوای موافقتنامه داوری کنیم، فرماندهی ارتش های شمال شرقی و شمال غربی این قرار را بعنوان گامی مقدماتی به سوی توافق بین حزب کمونیست چین و کثومین تان محسوب می داشتند. موافقتنامه بین چان هسو- لیان و حزب کمونیست چین راجع به صلح و عملیات مشترک علیه تجا و زگران ژاپنی، نتیجه ای بود که از اجرای تاکتیک های جبهه متحد حاصل شد.

حزب کمونیست چین روحیه افسران و افراد ارتش شمال شرقی و احساس غربت^(۴) آنها به خاطر اشغال زادگاهشان توسط جنگ طلبان ژاپنی را در نظر گرفت. حزب به تهبیح دامنه داری

(۱) Agitation (آژیتاسیون)

(۲) Nationalist (ناسیونالیست)

(۳) کای - یو - هو، چوئن لای : عظمت کهنه، چین.

نیویورک، ۱۹۶۸. ص ۱۳۲-۱۳۳

(۴) Nostalgia (نوستالژی)

در میان سربازان مبادرت ورزید و شعارهایی متناسب با روحیه آنان مطرح ساخت: "چینی علیه چینی نمی‌جنگد"، "زادبوم خود را با زپس گیریم" همچنین حزب کمونیست چین از اختلافات موجود بین فرماندهی ارتش شمال شرقی و شمال غربی از یک طرف، و از اختلاف آنها با چیانکای شک از طرف دیگر، استفاده جست. مقامات بلندیپه^(۱) حزب کمونیست چین با چان‌هسو - لیان و یان‌هو - چن تماس‌های نزدیکی برقرار کردند و سیاست حزب کمونیست چین را در راه ایجاد یک جبهه متحد ملی علیه تجا و زگران ژاپنی برای آنان توضیح دادند. پس از حمله ارتش پوشالی ژاپن به ایالات سویوان^(۲) در نوامبر ۱۹۳۶؛ که بدست سربازان کثومین تان، شکست خورد؛ فرماندهان ارتش‌ها بیش از پیش مصمم شدند تا ژاپن را به عقب برانند. رویدادهای شمال غربی کشور نشان می‌داد که پاره‌ای از واحدهای بزرگ ارتش کثومین تان با همدیگر و با فرماندهان نشان برآن شده اند تا در برابر تجا و زگران ژاپنی مقاومت کنند. احساسات ضد ژاپنی فرمانده و سربازان ارتش‌های کثومین تان در شمال غرب، به عملیاتی علنی علیه سیاست امتیاز طلبانه چیانکای شک منتهی شد. چان‌هسو - لیان و یان‌هو - چن، در دسامبر ۱۹۳۶، چیانکای شک و بیش از بیست تن از رهبران نظامی و دولتی حکومت نانکین را که وارد سیان^(۳) شده بودند، دستگیر کردند. این کار در مقابله با خودداری چیانکای شک از لغو فرمانش دایر بر تهاجم تازه علیه ارتش سرخ انجام گرفت.

Prominent Officials (۱)

Suiyuan (۲)

Sian (۳)

بازداشت چیانکای شک موقعیت سیاسی کشور را بغایت وخیم کرد. رویدادهای سیان از یک طرف نشان داد که در داخل خود ارتش کثومین تان، نیروهای ضد ژاپنی کاملاً قدرتمندی وجود دارد و از طرف دیگر موجب بروز شکافی در اردوگاه حاکم گردید که قادر بود یک جنگ خانگی بزرگ را، جنگی که نهایتاً فقط متجاوزین ژاپنی از آن سود می بردند، به راه اندازد. در چنین شرایطی، جلوگیری از یک جنگ خانگی و تشکیل یک جبهه متحد ضد ژاپنی، به حل مسالمت آمیز رویداد سیان بستگی داشت.

مدارک نشان می دهند که مائوتسه دون پس از شنیدن خبر دستگیری چیانکای شک، با حل مسالمت آمیز رویداد سیان به مخالفت برخاست و درخواست نمود که با وی - که به چشم دشمن اصلی خلق به او می نگریست - معامله به مثل شود. در جلسه بزرگی که به مناسبت بازداشت چیانکای شک در منطقه شورایی تشکیل شد، "مائوتسه دون و دیگران، طی صدور قطعنامه ای، محاکمه چیانکای شک را در یک دادگاه خلقی، بعنوان خائن به ملت خواستار گشتند." (۱)

کمینترن تشخیص داد که رویدادهای سیان، به آسانی می تواند جنگ داخلی را در چین برپا دارد. در آن زمان، انترناسیونال کمونیستی طی مقاله ای موضع گیری کمینترن را در قبال درگیری سیان چنین مشخص ساخت: "گرچه تاکنون خبر موثقی از موضع گیری حزب کمونیست چین بدست نیاورده ایم ولی با علم به خط مشی کلی آن چنین به نظر می رسد که دقیقاً این مشی سیاسی را اتخاذ خواهد کرد: حل مسالمت آمیز رویداد

(۱) اردوگاه اسنو. یادداشت های پراکنده درباره چین سرخ (۱۹۳۶-۱۹۴۵). کمبریج، مارس ۱۹۵۷. ص ۱۰

سیان بر مبنای ایجاد یک جبهه متحد ملی ضد ژاپنی" (۱) در دومین روز با زداشت چیانکای شک، پراودا (۲) سرمقاله‌ای تحت عنوان "رویدادهای چین" منتشر ساخت و طی آن حادثه سیان را بشدت محکوم و آن را برای "انجام نیروهای که برای وحدت چین کار می‌کنند" مضر دانست. پراودا تاکید نمود که رویداد سیان باید بنحوی مسالمت آمیز حل شود. (۳) رهنمود بموقع کمینترن به رهبری حزب کمونیست چین، مانع از آن شد که حزب مشی خطرناک مائوتسه دون را در دسامبر ۱۹۳۶ بپذیرد.

ادگار اسنو با اشاره به آقای ایکس، که نمی‌خواست در آن موقع نامش فاش شود، نقل می‌کند که چگونه رهبری حزب کمونیست چین در مقابل رهنمود کمینترن دایر بر آزادی چیانکای شک و اکنش نشان داد. بگفته آقای ایکس، مائوتسه دون "بشدت از کوره در رفت" و "خط و نشان کشید و پاهایش را به زمین کوبید" تا آن زمان نقشه کارچنین بود که چیانکای شک را محاکمه عمومی کنند و یک حکومت دفاع ضد ژاپنی در شمال غربی تشکیل دهند. (۴)

بلافاصله بعد از رویدادهای سیان، چانگ هسو - لیانگ و یان هو - چن در جهت ایجاد یک دولت ضد ژاپنی در شمال غرب گام‌هایی عملی برداشتند. در ۱۴ دسامبر همان سال، کمیته فوق العاده‌ای از ارتش متحد ضد ژاپنی تشکیل گردید.

(۱) انترناسیونال کمونیستی. نیویورک. ژانویه ۱۹۳۷.

ش ۰۱ ص ۶۵

(۲) Pravada

(۳) پراودا ۱۴ دسامبر ۱۹۳۶.

(۴) ادگار اسنو. همان کتاب. ص ۲

چان هسو - لیان رهبری آن رابعهده داشت و یان هو - چن معاون چوئن لای، از طرف حزب کمونیست چین، نقش فعالی در کمیته بازی می کرد. در دوران قبل از حل مسأله سلامت آمیز رویدادسیان، قدرت اداری و نظامی استان شن - سی عملاً در دست کمیته بود. کمیته قطعنامه ای رابه تصویب رساند و ضمن آن آزادی زندانیان سیاسی و تشکیل ارتش متحد ضد - ژاپنی شمال غربی را اعلام داشت. شواهد غیر مستقیمی وجود دارد که نشان می دهد که رهبری حزب کمونیست چین بر آن بود تا ارتش سرخ رابه ارتش متحد ضد ژاپنی منضم نموده و آن را تحت فرماندهی چان هسو - لیان درآورد. (۱) بنابراین موضع گیری اولیه، مائوتسه دون در قبال رویدادسیان بدین نحو بود که "چیانکای شک را از سر راه بردارد" و اصطکاک بین ارتش شمال غربی و گروه نانکین بوجود آورد. چنین سیاست ما جرا جو یانه ای تنها می توانست به طولانی شدن جنگ خانگی و بی اثر شدن تلاش های حزب در ایجاد یک جبهه متحد کمک کند. با توجه به مطالب ذکر شده، نمی توان به ادعاهای مائوتسه دون و مورخین چینی دایر بر اینکه رهبری حزب کمونیست چین بلافاصله بعد از رویدادسیان تلاش هایی را برای حل مسأله سلامت آمیز رویدادسیان و آزادی چیانکای شک آغاز نمود، اعتماد کرد. (۲)

(۱) ر.ک: کای - یو - هسو. همان کتاب. ص ۱۳۴

(۲) ر.ک: مائوتسه دون. آثار منتخب ج. ۱. لندن، ۱۹۴۵.

هو - چو - هو. "سی سال حزب کمونیست چین" ص ۴۸.

میائو - چو - هو ان. "تاریخ مختصر حزب کمونیست چین" ص ۱۴۴.

هو - کان - چی. "تاریخ انقلاب معاصر چین" ص ۳۴۱.

این موقعیت خطرناک، به لطف موضع گیری پیگیر کمیته اجرایی کمینترن در قبال رویداد سیان، پشت سر گذاشته شد. در خلال حادثه، سیان، رهبری کمینترن همواره به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تاکید می کرد که وظیفه اصلی حزب عبارت از آن است که از هیچ کوششی برای جلوگیری از جنگ داخلی فروگذار نکند. کمینترن به حزب کمونیست چین توصیه می کرد که با چیانگ کای شک و حکومت نانکین در نیافتد، بلکه، برعکس سعی کند چیانگ کای شک و نانکین را به صف مبارزه، مشترک ضد ژاپنی بکشانند. کمینترن خاطر نشان می کرد که حزب باید همکاری چان هسو - لیان ویان هو - چن را به عنوان گام مهمی در حصول توافق بین جبهه متحد ضد ژاپنی و حکومت نانکین در نظر داشته باشد.

حزب کمونیست چین با پیروی از این رهنمود، از وخیم تر شدن روابطش با کثومین تان جلوگیری و قادر شد تا در آن موقعیت خطرناک، نقطه نظرهای طرفین در مورد تشکیل یک جبهه متحد را هر چه بیشتر به همدیگر نزدیک کند.

آزادی چیانگ کای شک و حل مسالمت آمیز رویداد سیان، نظر کثومین تان را در اعمال سیاست جنگ علیه ارتش سرخ تغییر داد و شرایطی بوجود آورد که حزب کمونیست چین و کثومین تان بتوانند برای مبارزه، مشترک علیه متجاوزین ژاپنی، مذاکراتی را آغاز کنند.

تشکیل يك جبهه متحد متشکل از

حزب کمونیست چین و کثومین تان

در فوریه سال ۱۹۳۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین پیامی به سومین مجمع عمومی کمیته مرکزی اجرایی کثومین تان ارسال داشت و برنامه‌های حاوی خط مشی‌های زیر را به دولت پیشنهاد کرد: پایان دادن کامل به جنگ داخلی، بسیج تمام نیروهای کشور جهت یک مبارزه مشترک علیه دشمن خارجی، تضمین آزادی بیان و آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، تشکیل کنفرانسی با شرکت نمایندگان کلیه احزاب، گروهها، تمام ااقشار مردم و نیروهای مسلح و بدین ترتیب متحد کردن بهترین نیروهای ملی برای مبارزه مشترک در راه نجات میهن، تسریع تدارک یک جنگ ضد ژاپنی و ارتقاء سطح زندگی مردم.

حزب کمونیست چین خود نیز حاضر شده بود که تضمین‌های زیر را به کثومین تان بدهد: پایان دادن به جنگ علیه حکومت نانکین در سراسر کشور، تغییر نام حکومت دموکراتیک دهقانان و کارگران به حکومت جمهوری ویژه قلمرو چین^(۱)، تغییر نام ارتش سرخ به ارتش انقلابی ملی، متوقف ساختن ضبط دارایی‌های ارضی^(۲) و اجرای قاطع برنامه جبهه متحد ملی ضد ژاپنی.^(۳)

(۱) Special Region of the Chinese Republic

Landed estates (۲)

(۳) ر.ک: منابع تاریخ انقلاب چین، ج ۳، ص ۱۸۹-۱۹۰

بعد از سومین مجمع عمومی کمیته اجرایی کثومین تان ،
طرفین مذاکره بتدریج بسوی توافق برای همکاری دوجانبه
کشیده شدند . مهمترین مساله مورد پذیرش طرفین ، همانا لزوم
پایان دادن به جنگ داخلی بود .

هجوم ژاپن به شمال چین در ژوئیه ۱۹۳۷ ، تصرف پکن و
تین تسین (۱) و آغاز عملیاتی برای تصرف شانگهای ، رهبری
کثومین تان برابر آن داشت که در تشکیل یک جبهه متحد با
حزب کمونیست چین شتاب ورزد .

در ۲۲ سپتامبر ، کثومین تان بیانیه ای را که از کمیته
مرکزی حزب کمونیست چین در ۱۵ ژوئیه همان سال مبنی بر همکاری
دو حزب دریافت کرده بود ، منتشر ساخت . در این بیانیه حزب
کمونیست چین همان پیشنهادهای را تکرار می کرد که به سومین
مجمع عمومی کمیته ، مرکزی اجرایی کثومین تان ارسال داشته بود .
در ۲۳ سپتامبر ، دفتر نمایندگی (۲) مرکزی خبرگزاری
کثومین تان ، بیانیه ای چنانکای شک مبنی بر ایجاد روابط
همکاری دوجانبه بین کثومین تان و حزب کمونیست چین را
منتشر نمود . وی موجودیت قانونی حزب کمونیست چین و اهمیت
اتحاد ملی را به رسمیت شناخته بود . کثومین تان بر موجودیت
قانونی منطقه ، ویژه ، مرزی و بر موجودیت قانونی نیروهای
مسلح حزب کمونیست چین صحنه می گذاشت . در ماه اوت ، ارتش
سرخ بنام ارتش هشتم انقلابی ملی خوانده شد . و در اکتبر
۱۹۳۷ ، گروه های چریکی جنوب چین با ارتش چهارم جدید متحد
گشتند .

تشکیل جبهه متحد ضد ژاپنی ، هم پیروزی بزرگی برای حزب

(۱) Tientsin

(۲) Agency (آژانس)

کمونیست چین و هم موفقیت سیاسی مهمی برای خلق چین بود. جبهه متحد، به ظاهر، توافقی بود جهت همکاری بین حزب کمونیست چین و کثومین تان و بطور شفاهی مقرر گردیده بود که این جبهه تحت رهبری حکومت نانکین به فرماندهی چیانگ کای شک قرار داشته باشد. متعاقب این امر، کثومین تان از اجرای برنامه رسمی جبهه متحد و ایجاد اشکال سازمانی آن سرباز زد.

جبهه متحد ضد ژاپنی از نیروهای نامتجانس^(۱) ذیل تشکیل می شد: کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی، و همچنین بخشی از زمینداران بزرگ و بورژوازی بزرگ. حزب کمونیست، پیشاهنگ نیروهای مترقی جبهه متحد - کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری محسوب می شد. این اقشار اجتماعی^(۲) در صد گسترش پیکار مقاومت سراسری کشور و ایجاد یک چین دموکراتیک بودند. مبارزه بین حزب کمونیست چین و کثومین تان در درون جبهه متحد عمدتاً "بر سرفوذ در میان توده ها بود. کمونیست ها در صد بودند که حزب کمونیست چین را با همان نیروهای مسلح قدرتمندش و با همان پایگاهها و مناطق باز پس گرفته شده اش از نیروهای مهاجم، بصورت یک حزب توده ای فراگیر درآوردند. و این یعنی آن که کمونیست ها در صد بودند تا در جریان جنگ رهایی بخش ملی، استحکام و رشد همه جانبه نیروهای انقلابی را تامین کنند. کثومین تان نیز بنوبه خود تلاش می کرد تا رشد نیروهای انقلابی را محدود نماید، از نفوذ حزب کمونیست چین در میان توده ها جلوگیری و حتی حزب کمونیست چین را در خود ادغام کند.

نتیجتاً " حزب کمونیست چین در جریان جنگ ضد ژاپنی

Heterogeneous (۱)

Social strata (۲)

می‌بایست از عهدۀ وظیفه مبرمی تحت عنوان استقلال سازمانی و سیاسی خود در چهار چوب جبهه متحد ملی برآید. کمیته اجرایی کمینترن مکرراً " توجه رهبری حزب کمونیست چین را به اهمیت سیاسی این نکته جلب می‌نمود که " در شرایط یک جبهه متحد با کثومین تان، حزب کمونیست چین باید استقلال سازمانی و سیاسی خود را کاملاً حفظ کند و در اتحاد کلی با نیروهای ضد ژاپنی، با هر نوع تمایلاتی که به انحلال حزب کمونیست چین منجر می‌گردد، قاطعانه مبارزه نماید و از پذیرش تقاضای عضویت کسانی که صرفاً " در جنگ ضد ژاپنی شرکت کرده‌اند بپرهیزد " (۱) مورخین معاصر چین عقیده دارند این مائوتسه دون بود که سخماً " مسأله استقلال حزبی کمونیست چین در داخل جبهه متحد ضد ژاپنی را طرح و حل نمود. بهر حال، حقایق خلاف آن را ثابت می‌کند. در دوره اولیه جنگ (۱۹۳۷-۱۹۳۸)، رهبری حزب کمونیست چین، و بالاتر از همه یکی از چهره‌های برجسته آن، مائوتسه دون، اشتباهات جدی فرصت طلبانه راستی را در مورد این مسأله بنیادی مرتکب گشت. گرایش به راست رهبری حزب کمونیست چین که از مواضع سیاسی و طبقاتی آن در زمینه تاکتیک‌های تشکیل جبهه متحد با چیانکای شک سرچشمه می‌گرفت، با دوره یکی از سخت‌ترین شکست‌های چین در جنگ با ژاپن مصادف گردید. نظامی‌گرایان ژاپنی بخش عظیمی از چین و مراکز عمده صنعتی و راه آهن‌های اصلی آن را متصرف شدند. ارتش کثومین تان به مناطق عقب مانده از لحاظ اقتصادی، بویژه به مناطق کشاورزی، عقب‌نشینی کردند. نیروهای مسلح حزب کمونیست هنوز ناچیز بود و جنگ چریکی در پشت خطوط دشمن نیز هنوز

(۱) مبارزه برای ایجاد یک جبهه متحد ملی ضد ژاپنی در چین، مسکو، ۱۹۳۷، ص ۲۵ (به زبان روسی)

مراحل اولیه خود را می‌گذرانید. طبعاً "در چنین شرایط دشواری لازم بود که حزب کمونیست چین و کثومین تان تمام نیروهای خود را متحد کنند و تمام افراد مملکت دوش به دوش هم علیه تجاوز - گران به نبرد برخیزند. لیکن حزب کمونیست چین نمی‌بايست به خود اجازه دهد که به بهای همکاری با کثومین تان، استقلال سازمانی و سیاسی خود را تضعیف کند. با وجود این وقتی اسناد کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و سخنرانیهای رهبران این حزب را در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ مورد بررسی قرار دهیم، درمی‌یابیم که حزب جدا "حاضر بوده است تا از منافع طبقاتی و سیاسی خود چشم‌پوشی نماید. بخش تبلیغاتی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در اکتبر سال ۱۹۳۷، طی انتشار یک دستورالعمل، به کلیه تشکیلات حزبی دستور داد که از تبلیغ مبارزه طبقاتی انترناسیونالیسم و دموکراسی خودداری نمایند زیرا اینگونه تبلیغات باعث تضعیف جبهه ملی می‌شود.

در آغاز جنگ، ما ثوتسه دون از ورود کمونیست‌ها به کثومین تان به شدت پشتیبانی می‌کرد و آنرا عالیترین شکل سازمانی جبهه متحد می‌دانست. وی اصرار داشت که حزب کمونیست چین، برای داخل شدن به کثومین تان، فهرستی از اعضای حزب را که وارد کثومین تان می‌شوند به مقامات کثومین تان تسلیم نماید، یعنی حزب به ایجاد سازمانهای مخفی در درون کثومین تان و سر باز آن نپردازد، نقش رهبری کثومین تان و چیانکای شک را در جبهه متحد را می‌بخش ملی به رسمیت بشناسد و برنامه کثومین تان مبنی بر "جنگ مقاومت و تاسیس دولت" را بعنوان برنامه کارکلی سیاسی جبهه متحد بپذیرد. ما ثوتسه دون این نظرات را طی گزارش مشروحی به ششمین مجمع عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در پاییز سال ۱۹۳۸ پیشنهاد کرد. این نظرات در قطعنامه جلسه‌ای که به خاطر گزارش ما ثوتسه دون

تشکیل شده بود، منعکس گردید. (۱) «کاملاً» روشن بود که اعطاء چنین امتیازاتی به مقامات کثومین تان، آنهم در زمانی که حزب کمونیست چین از لحاظ ترکیب صرفاً "بصورت یک حزب دهقانی و خرده بورژوازی درآمده بود، استقلال سا زمانی و سیاسی آن را بنحوی جدی به مخاطره می انداخت و درتحلیل نهایی، آن را وابسته به کثومین تان می کرد.

کمیته اجرایی مرکزی کثومین تان، پذیرش کمونیست ها را به کثومین تان به استعفاء آنها از حزب و کنار گذاشتن ایدئولوژی مارکسیستی مشروط ساخت. بدین ترتیب چنانکای شک پیشنها د حزب کمونیست چین مبنی بر داخل شدن به کثومین تان را رد کرد.

بعد از سال ۱۹۳۸، روابط بین حزب کمونیست چین و کثومین تان بتدریج تیره گشت و حتی در مواردی به درگیریهای علنی مسلحانه نیز کشیده شد. رشد احساسات امتیاز طلبانه در کثومین تان و قرار گرفتن گروه هوادار ژاپن در کنار دشمن، با تقویت تمایلات ضد کمونیستی توأم شد. با وجود این، حزب کمونیست چین و کثومین تان، بنا به دلایل داخلی و بین المللی، اتحاد جبهه ای خود را در تمام طول جنگ حفظ کردند.

در عمل، ارتش کثومین تان، در خط جبهه و نیروهای مسلح حزب کمونیست چین، در پشت جبهه دشمن مستقلاً عمل می کردند و همین اتحاد عمل علیه دشمن مشترک - یعنی علیه متجاوزین ژاپنی - تبلوری از جبهه متحد بود. وجود جبهه متحد ملی ضد ژاپنی شرایط مساعدی را برای حزب کمونیست چین بوجود آورد تا بتواند به نیروهای مسلح خود انسجام بخشد. تقریباً "نیمی از، و گاهی اکثریت، ارتش منظم ژاپن در جبهه کثومین تانگ درگیر

(۱) منابع تاریخ انقلاب چین ج ۴ ص ۱۶ - ۲۶

بودند و نتیجه آنکه، کثومین تان، حتی در مراحل فروکش نسبی جنگ؛ بخش عظیمی از قوای دشمن را از تحرک و پیشروی باز می‌داشت و این کار بی‌تردید از فشار مهاجمین به مناطق آزاد شده، تحت کنترل حزب کمونیست چین می‌کاست.

فرصت‌های خوبی دست داده بود تا جنگ چریکی دهقانی بردامته‌ای در پشت خطوط ژاپنی‌ها، خصوصا "در مناطق بزرگ روستایی، تحت رهبری حزب کمونیست چین به راه انداخته شود. قسمت اعظم نیروهای اشغالگر ژاپنی، شهرها، مناطق صنعتی و خطوط ارتباطی را کنترل می‌کردند، و این در حالی بود که حفظ نظم در مناطق روستایی عمدتا "به عهده نیروهای حکومت دست نشانده" ژاپن، یعنی نیروی وان چین - وی^(۱) - که با ارتش منظم، آموزش دیده و مجهز ژاپن قابل مقایسه نبود - قرار داشت. زمانیکه آلمان نازی در سال ۱۹۴۱ به اتحاد شوروی حمله کرد، قسمت عمده نیروهای زمینی ژاپن در چین - ارتش میلیونی نیرومند کوانتون - در مرز شوروی مستقر شده بودند. با آغاز جنگ در اقیانوس آرام، ژاپن تلاش نظامی اصلی خود را متوجه نیروهای بریتانیا و ایالات متحده نمود. و در نتیجه، فرمانده ژاپنی‌ها قادر نشد که نیروهای قابل ملاحظه‌ای را به جبهه چین اعزام نماید. ارتشی که از جانب ژاپن در خلال سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ در عملیات علیه کثومین تان و نیروهای کمونیست در چین درگیر بود، کمتر از ۶۰۰۰۰۰ نفر افسر و سرباز را در برداشت.

تغییری که در سایه پیروزیهای قاطع ارتش شوروی، به نفع ائتلاف^(۲) ضدفاشیستی، در جنگ جهانی دوم بعمل آمد و

Wang Ching-wei (۱)

Coalition (۲)

همچنین تضعیف موقعیت نظامی و استراتژیکی ژاپن در صحنه اقیانوس آرام که در نتیجه عملیات تهاجمی ارتش های ایالات متحده و بریتانیا صورت گرفته بود، شرایط مناسب برای جنبش رهایی بخش مردم چین فراهم آورد. حزب کمونیست چین از این فرصت ها بهره جست و به ایجاد مناطق آزاد شده در پشت جبهه دشمن، تشکیل ارتش دهقانی و افزایش سریع افراد حزبی پرداخت. در اواخر جنگ، جمعیت مناطق آزاد شده به صد میلیون نفر، تعداد نیروی نظامی تحت فرماندهی کمونیست ها به ۹۰۰۰۰۰ نفر و شمار اعضاء حزب به ۱۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ می شد.

رشد عددی فزاینده، حزب که در نتیجه ورود عناصر غیر پرولتری (دهقانان، کولاک ها، زمین داران کوچک و روشنفکران بورژوا و خرده بورژوا) به آن صورت گرفت، باعث پیدایش تمایلات ملت گرایانه در رهبری حزب گردید. در جریان جنگ علیه ژاپن، مائوتسه دون مشی نظامی ملت گرایانه ای را پیش روی حزب نهاد و نتیجه این شد که حزب به تعهدات^(۱) انترناسیونالیستی خود پشت کند. مائو به درخواست های مکرر کمینترن و حزب کمونیست شوروی مبنی بر انجام عملیات شدید تر بر ضد ارتش ژاپن - که مبارزه ضد فاشیستی علیه امپریالیستهای ژاپنی را تسهیل می کرد - اعتنایی ننمود. وی یک سیاست منفعل^(۲) جنگی را الجوانه تعقیب کرد. بعد از ۱۹۴۲، آهنگ رشد عددی نیروهای خلقی که مستقیماً "علیه ژاپنی ها در پیکار بودند" مرتباً "کاهش یافت. عملیات ارتش های هشتم و چهارم جدید، در سطح برخورد های چریکی با واحدهای پوشالی، محدود ماند. عملیات نظامی علیه متجاوزین در خاک چین، تا هنگامی که

Commitments (۱)

Passive (۲) (پاسیو)

شوروی بعد از پایان اوت ۱۹۴۵ علیه امپریالیست های ژاپنی وارد جنگ شد، همچنان این خصیت خود را حفظ کرد.

شکست سریع و خردکننده، نیروهای اصلی ژاپن در چین توسط ارتش شوروی، وضعیت نظامی را در سراسر چین به نحو قاطعی تغییر داد. بر اثر حمله شوروی، محاصره، مناطق شورایی که توسط ژاپنی ها صورت گرفته بود، شکسته شد و نیروهای مسلح خلق قادر شدند در تمام مسیرها بدون برخورد با هیچ گونه مانعی، به پیشروی بپردازند. آنان دو ماه بعد از عملیات تهاجمی توانستند مناطق آزاد شده را به طرز چشمگیری گسترش داده و مواضع استراتژیک مهمی را به تصرف خویش در آورند.

فرماندهی نیروهای شوروی بخش متناهی از سلاحهایی را که از دشمن به غنیمت گرفته بود، به نیروهای مسلح خلق بازگرداند و بدین ترتیب کارآیی رزمی آنان را بالا برد. عملیات موفقیت آمیز ارتش شوروی مردم چین را قادر ساخت تا سریعاً " به جنگ طولانی علیه متجاوزین ژاپنی پایان بخشند.

عکس العمل رهبری حزب کمونیست چین

در قبال انحلال کمینترن

در دورهٔ مورد نظر، یعنی از کنگره هفتم سال ۱۹۳۵ تا ماه مه ۱۹۴۳، کمینترن از مشی تاکتیکی و استراتژیکی پیروی نمود که به جنبش انقلابی چین تحرک بخشید و به حزب کمونیست چین کمک کرد تا بصورت یک حزب توده‌ای درآید. حزب کمونیست چین و نیروهای انقلابی آن بصورت عامل تعیین کننده‌ای در حیات سیاسی کشور در آمدند. رهنمودهای کمینترن در وخیم‌ترین لحظات پیکار سیاسی در چین، کمونیست‌های چینی را قاطعاً در ساختار مبارزه‌ای دشوار علیه واکنش نیروهای قوی تر خارجی و داخلی، راه خود را بیا بند. در عین حال کنگرهٔ هفتم کمینترن آموخت که "هرگونه تصمیم‌گیری نسبت به هر ساله، موقعیت مشخص و شرایط ویژهٔ حاکم در آن کشور خاص را در نظر بگیرد و به عنوان یک قاعده، از دخالت مستقیم در مسایل تشکیلاتی داخلی احزاب کمونیست بپرهیزد". (۱)

بهبود شیوهٔ برخورد خلاق حزب کمونیست چین با مسایل تاکتیکی و استراتژیکی جنبش انقلابی، علاوه بر نتایج دیگر، رشد استقلال این حزب را سرعت بخشید. لیکن علیرغم این امر، برخی از رهبران حزب و در رأس آنها ما غوتسه دون، تدریجاً "به مواضع تنگ نظرانهٔ ملت‌گرایی در غلتیدند. این روند، بویژه

(۱) انترناسیونال کمونیستی. ج ۰۱۲. ش ۱۷-۱۸. لندن.

بعد از سال ۱۹۴۱ که نظر کمینترن و حزب کمونیست شوروی به مبارزه ضدفاشیستی جلب شده بود، جلوه بیشتری یافت. زمانی که موقعیت نظامی در چین وخیم تر شد، نیروهای ملت گرای داخل حزب کمونیست چین، رشته عملیات سیاسی وایدئولوژیکی گسترده ای را علیه کمونیست - انترناسیونالیست های چینی به راه انداختند. مائوتسه دون که در جستجوی سپریلایی برای اشتباهات شخصی خود در پی وسیله ای برای تحکیم موقعیت خویش در رهبری حزب کمونیست چین بود، از این اوضاع سود جست. در اواخر سال ۱۹۴۱ بود که به ابتکار مائوتسه دون، به اصطلاح جنبش تصحیح روش کار حزبی خود بر مبنای قبول اندیشه های مائوتسه عنوان تنها راهنمای عمل حزب کمونیست چین، آغاز گشت. در جریان این مبارزه که چهار سال به طول انجامید، مائوتسه دون و پیروانش، "مارکسیسم چینی" (۱) مائوتسه را به حزب تحمیل کردند و کیش شخصیت (۲) او را با سرکوبی و تنبیهات گسترده در داخل حزب رواج دادند. در نتیجه این اقدامات، مائوتسه دون توانست رهبری بلامنازع حزب و ارتش را بدست و به جای "مارکسیسم - لنینیسم"، "مارکسیسم چینی" ... را به حزب کمونیست چین تحمیل نماید.

پس از آنکه مائوتسه دون و نزدیکترین همکارانش موقعیت خود را تحکیم بخشیدند، ملت گرایی (۳) بصورت مشی اساسی رهبری حزب کمونیست چین در رابطه اش با کمینترن و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درآمد. مشی سیاست ملت گرایانه

Sinicised Marxism (۱)

(منظور اندیشه مائوتسه + مارکسیسم - لنینیسم است)

Personality Cult (۲)

Nationalism (ناسیونالیسم) (۳)

مائوتسه دون بنحوی بارز، در عدم ایفا وظایف انترناسیونالیستی حزب کمونیست چین نسبت به جنبش جهانی کمونیسم در جریان علیه فاشیسم آلمان و نظامی‌گرایی (۱) ژاپن می‌جنگیدند، مائوتسه دون سعی داشت تا تاکتیک‌هایی منفعل را به حزب کمونیست چین تحمیل کند. در پاییز سال ۱۹۴۱، یعنی در اوج مبارزه شوروی علیه متجاوزین نازی؛ وقتی که خطر حمله ژاپن، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بشدت تهدید می‌کرد؛ کمینترن و حزب کمونیست شوروی از مائوتسه دون درخواست کردند که مبارزه‌اش را با ژاپن تشدید کند تا ژاپن نتواند زیشت به اتحاد جماهیر شوروی ضربه وارد آورد، ولی او عملاً این تقاضا را رد کرد. (۲)

در پرتو این حقایق، واکنش گروه مائو در قبال انحلال کمینترن در ماه مه سال ۱۹۴۳ کاملاً آشکار می‌شود. قطعاً ماهی که کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مورد انحلال کمینترن صادر کرد، نیت صریحاً "ملت‌گرایانه" رهبری چین را نشان داد. در قطعنامه هیچ اشاره‌ای به لزوم حفظ علائق سنتی مودت (۳) و همبستگی (۴) بین حزب کمونیست چین با احزاب کمونیست دیگر نرفته بود. قطعنامه برای این امر تاکید داشت که انحلال کمینترن، حزب کمونیست چین را از قید "الزامات منبعث از قواعد کمینترن و تصمیمات کنگره‌هایش"، (۵) یعنی از قید هر نوع

(۱) Militarism (میلیتاریسم)

(۲) ر. ک: کمونیست، ۱۹۶۸، ش ۰۶، ص ۱۰۸ و ش ۰۹، ص ۱۰۶.

(۳) Traditional Ties (به زبان روسی)

(۴) Solidarity (۵) "قطعنامه کمیته مرکزی حزب

کمونیست چین در مورد تصمیم هیات رئیسه کمیته اجرایی کمینترن

منفی بر انحلال کمینترن "چی فان - جی یا شو.

تعهدی نسبت به جنبش جهانی کمونیستی رها ساخته است. رهبری چین شدیداً تلاش می‌کرد تا فعالیت کمینترن را که در خدمت تشکیل حزب کمونیست چین از آموزش کارهای کمونیست - انترناسیونالیست چینی قرار داشت، لکه دار کند. قطعاً کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، با تحریف واقعیت آشکار تاریخی، مدعی آن بود که "بهترین نیروها بوسیله خود حزب کمونیست چین بدون هرگونه کمک خارجی ساخته شدند" (۱) بطور مشخص، مائوتسه دون طی بیانیه ویژه‌ای در رابطه با انحلال کمینترن سعی کرد تا بی‌معطلی، "جنبش برای تصحیح روش" را؛ بعنوان عامل تعیین کننده، ریشه‌ها را بیشتر حزب کمونیست چین؛ به صورت قانونی در آورده و به آن جنبه‌ای "ملی‌تر" ببخشد. (۲) در یک کلام، مائو با استفاده از انحلال کمینترن، راه‌های ناهموار القاء نظرات ملی‌گرایانه خود را هموار ساخت و با طرد کمونیست - انترناسیونالیست‌های چینی، کیش شخصیت خود را قبولاند. و زمانی که کمینترن منحل گشت، این پیشرفت‌های منفی (۳) در حزب کمونیست چین، بیشتر نمایان شد.

بعد از سال ۱۹۳۴، مائوتسه دون به بهانه انتقاد از کمونیست - انترناسیونالیست‌هایی مثل چو حیو - پو (۴)، پو - کیو (۵)، جان ون - تی یین (۶) و به ویژه وان مین - که از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۷ نماینده حزب کمونیست چین در هیات اجرایی کمینترن

(۱) همان قطعنامه

(۲) چی فان چی پائو. ۲۸ مه ۱۹۴۳

(۳) Negative developments

(۴) Chu Chiu- Po

(۵) Po ku

(۶) Chung Wen-tien

بود. به بدگویی از تمام جنبه های مثبت و باارزش استراتژی و تاکتیک های کمینترن در رابطه با انقلاب چین، زبان گشود. وی بدون اینکه لحظه ای فرصت را از دست بدهد، همه موفقیت های بدست آمده در زمینه "تدوین اصول نظری" (۱) مسایل مختص انقلاب، مسایل نیروهای محرکه (۲)، استراتژی و تاکتیک های پیکار انقلابی، مسایل تشکیل ارتش، اتخاذ تاکتیک های جبهه متحد و غیره را به خود نسبت داده و از این طریق برای خود کسب اعتبار نمود. لیکن درباره اشتباهات سیاسی خود سکوت اختیار کرده و سعی نمود این عقیده را القاء کند که روش او تنها روش درست در سراسر انقلاب چین بوده است. ما ثوسه دون برای بالا بردن حیثیت (۳)، و تحمیل کیش شخصیت خود، به تحریف تاریخ حزب کمونیست چین و انقلاب چین پرداخت و ادعا کرد که یگانه نظریه پرداز (۴) حزب و تنها رهبر بزرگ خلق چین است. این جنبه های فالیته ما ثوسه دون بعد از انحلال کمینترن، در ضمیمه "قطعنامه درباره برخی مسایل تاریخ حزب ما" که در خود وی نوشته است، منعکس شده است. (۵)

ناگفته پیداست که تجارب حاصله در طول جنبش رهایی بخش ملی و مجموعه آثار نظری (۶) کمینترن - که بزرگترین متفکرین آن، روندهای پیچیده انقلابی در مستعمرات و کشورهای وابسته را از دیدگاه مارکسیستی تجزیه و تحلیل می کردند - نظریه

(۱) Theory (تئوری)

(۲) Motive forces

(۳) Prestige (پرستیژ)

(۴) Theorician (تئوریسین)

(۵) ما ثوسه دون. آثار منتخب ج ۴. لندن، ۱۹۵۶، ص ۱۷۱-۲۱۸

(۶) Theoretical

لنین دربارهٔ انقلاب ملی و مستعمراتی را غنا بخشیده و نتایج فراوانی بدست داد که قسمت اعظم آن هنوز برای تمام جنبش جهانی کمونیستی از اهمیت زیادی برخوردار است. و این نیز کاملاً طبیعی است که هنوز همهٔ میراث اصول نظری عملی (۱) کمینترن به محک آزمایش در نیامده است.

دشمنان طبقه کارگر، صاحب‌مسلکان (۲) بورژوا، تروتسکیست‌ها و سایر مرتدانی (۳) که در صد دغدشه دار کردن کمونیسم هستند، آثار نظری و عملی کمینترن را تحریف کرده و در تلاشند تا جنبش جهانی کمونیستی معاصر را از بین ببرند. جنبه‌های مثبت فعالیت‌های نظری و عملی کمینترن که منتهی به پیروزی انقلاب چین گردید، نه یک بار و دوبار، بلکه به دفعات، یا به سکوت برگزار گردیده یا به مائوتسه دون نسبت داده شده است. این تحریف، در داخل حزب، برای توجیه مائوتسیم به کار گرفته می‌شود و در صحنهٔ بین‌المللی نیز آن را برای کوچک شمردن نقش کمینترن و حزب کمونیست شوروی در تشکیل و توسعهٔ حزب کمونیست چین و به قصد تقلیل ارزش تدوین کار بست عملی استراتژی و تاکتیک‌های دقیق آن در انقلاب چین بکار می‌گیرند. در تحلیل نهایی، این تحریف، بعنوان ابزاری برای توسعهٔ تبلیغات ضد شوروی (۴) و صدمه زدن به اصول انترناسیونالیسم پرولتری که مبنای تمامی فعالیت‌های کمینترن بود، بکار رفته است.

(۱) Practical (پراتیک)

(۲) Ideologists (ایدئولوژیست‌ها)

Renegades (۳)

(۴) Anti-Soviet (آنتی سوویت)

۱۶۴۶۶

منتشر شده است :

- (۱) : جنگ خلق - ارتش خلق
جی‌اچ
- (۲) : مسلح کردن توده‌ها و تشکیل ارتش خلق
جی‌اچ
- (۳) : درتدارک انقلاب
جبهه متحده فیلیپین
- (۴) : کمینترن و مسالهٔ جبهه متحده ضد امپریالیستی
در هند
او.و. مارتی‌شین
- (۵) : وظایف بین‌المللی حزب ما
له دوان

جنبش‌های رهایی بخش و طبقه کارگر (۶)



از انتشارات :

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت)

قیمت ۴۰ ریال